

**Analysis of the current tradition of the Infallibles (A) in rabbit meat and its approach in society**

roohollah Hedayeti,<sup>1</sup>

Seyed Mohammad Taghi Ghabooli Dar Afshan<sup>2</sup>

Hossein Saberi,<sup>3</sup>

Received Date:3Nov2021

Reception Date:11Jan2022

**Abstract**

The issue of alcohol and drinking and the need for proper and healthy nutrition in religious teachings in society has been very important and this issue has been considered in many verses and hadiths. Therefore, in the jurisprudential books of the two sects, an independent chapter is dedicated to food and drink, although in other chapters, this issue has been mentioned on some occasions. In the human food chain, in addition to plants and fluids; Meat is very important. Therefore, Islam has allowed eating meat. In some instances of meat, all Muslim thinkers agree, such as beef, mutton, camel, and in some there is a consensus on sanctity, such as leopard, lion, tiger. However, considering the sources of the two parties, the legitimacy and illegitimacy of some cases, such as rabbits, is a point of contention. Imami jurists have agreed on the sanctity of the rabbit meat, and Sheikh al-Ta'ifa says: Al-Arnab Muharram ... The father, in contrast to all the four Sunni religions, has a consensus on the legitimacy of eating rabbit meat. Therefore, this issue needs to be explored due to the jurisprudential differences between the sects.

This research has been carried out with the aim of recognizing the sayings and theories of the jurists of Islamic religions, the limits and limitations of the evidence, explaining the obligatory religious duty and obligation regarding the legal ruling of eating rabbit meat. The present research is a new and fundamental research that has been done in terms of method (descriptive) from the point of view of purpose (applied) and the method of collecting its concepts based on studies (library) and trying to answer, analyze and remove ambiguity in permissions and impermissibility arguments. The meat of animals has the role of the infallible act in society. The necessity of this type of research, considering that in the minds of many people (especially Shiites) the lack of sanctity of rabbit meat has been associated, so it plays an important role in enlightening public opinion and explaining the jurisprudential principles and clarity of the Shari'a ruling on this particular issue.

**Keywords:** Tradition, jurisprudence, sharia law, rabbit meat, society.

---

<sup>1</sup>PhD student, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University

<sup>2</sup>Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University (Corresponding Author) ghabooli@um.ac.ir

<sup>3</sup>Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.320134.2818>

## واکاوی سنت فعلی معصوم (ع) در اکل گوشت خرگوش و رویکرد آن در جامعه

روح الله هدایتی<sup>۱</sup>  
سید محمد تقی قبولی درافشان (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>  
حسین صابری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

### چکیده

موضوع اکل و شرب و ضرورت تغذیه صحیح و سالم در آموزه های دینی در جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و در آیات و روایات متعدد به این موضوع توجه شده است. لذا در کتب فقهی فریقین باب مستقلى به اطعمه و اشربه اختصاص دارد اگرچه در ابواب دیگر نیز به مناسبتهایی به این موضوع اشاره شده است. در زنجیره غذایی انسان، علاوه بر گیاهان و مایعات؛ گوشت اهمیت وافری دارد بر همین اساس اسلام خوردن گوشت را جایز دانسته است. در حلیت برخی مصادیق گوشتها، تمامی اندیشمندان مسلمان اتفاق نظر دارند مانند گوشت گاو، گوسفند، شتر، و در برخی نیز اجماع بر حرمت وجود دارد مانند گوشت پلنگ، شیر، ببر. اما با عنایت در منابع فریقین مشروعیت و عدم مشروعیت برخی از مصادیق مانند خرگوش محل اختلاف است. فقهای امامیه اجماع، بر حرمت اکل گوشت خرگوش کرده اند و شیخ الطائفه می گوید: الأرنب محرم ... دلیلنا إجماع الفرقه. در مقابل تمام مذاهب اربعه اهل سنت در مقام عمل اجماع در حلیت خوردن گوشت خرگوش دارند. بنابراین این مسئله با توجه به اختلاف فقهی بین فریقین نیازمند کاویدن دارد.

این تحقیق با هدف شناخت اقوال و نظریات فقهای مذاهب اسلامی، حدود و ثغور ادله، تبیین وظیفه و تکلیف شرعی مکلف در مورد حکم شرعی خوردن گوشت خرگوش صورت پذیرفته است. تحقیق حاضر، پژوهشی نو و بنیادی است که به لحاظ روش (توصیفی) از نگاه هدف (کاربردی) و شیوه گردآوری مفاهیم آن بر پایه مطالعات (کتابخانه ای) انجام شده و سعی در پاسخ، واکاوی و رفع ابهام در ادله جواز و عدم جواز اکل گوشت حیوانات و نقش فعل معصوم (ع) در جامعه را دارد. ضرورت این سنخ تحقیقات با توجه به اینکه در اذهان بسیاری از مردم (به ویژه شیعیان) عدم حرمت گوشت خرگوش تداعی شده است لذا نقش به سزایی در تنویر افکار عمومی و تبیین مبانی فقهی و وضوح حکم شرعی در این موضوع خاص را دارد.

واژگان کلیدی: سنت، فقه، حکم شرعی، گوشت خرگوش، جامعه.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی

<sup>۲</sup> دانشیار گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی، [ghabooli@um.ac.ir](mailto:ghabooli@um.ac.ir)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی

مقدمه و بیان مسئله

این نکته مقدماتی را باید توجه داشت که برای تأسی به فعل معصوم نمی توان همیشه به فعلی که از افعال طبیعی بشری شمرده می شود استناد کرد به عبارت دیگر افعالی که از طبیعت و خلقت انسان نشأت می گیرد و بین تمام انسانها مشترک است، ملاک عمل و فتوا قرار نمی گیرند، به ویژه اگر این فعل طبیعی، اضطراری باشد یعنی افعالی که بدون دخالت اراده و اختیار واقع می شود و واکنش طبیعی بدن انسان نسبت به حوادث بیرونی به شمار آید مانند اظهار درد به هنگام جراحی، لرزیدن به هنگام سرما، و مثالهای دیگری از این دست که اختیاری نسبت به ایجاد یا منع آن وجود ندارد؛ از آنجا که بدون قصد انجام می پذیرد حکم دینی ندارد و متعلق امر به تاسی یا نهی از مخالفت قرار نمی گیرند.

اما در میان افعال طبیعی، برخی افعال از روی اراده انسان انجام می گیرد و نحوه این انجام فعل به اراده فرد بستگی دارد مانند اکل و شرب که اصل آن اضطرار است اما شیوه و کیفیت انجام دادن آن مخصوص بوده یا با دیگران تفاوت داشته باشد به عبارت دیگر غذا خوردن یک نیاز بشری است اما انتخاب یک نوع غذای خاص یا روش غذا خوردن یا زمان و مکان غذا خوردن خصوصیتی است که آن را از اقتضائات بشری صرف، بیرون آورده و به آن اعتبار دینی می بخشد علاوه برآنکه نقش الگو مدارانه معصوم اقتضا می کند که انتخاب و روش او نیز بهترین انتخاب و روش باشد و رفتار ایشان ملاک علم و تأسی دیگران قرار گیرد لذا اینگونه افعال هم تبیین شیوه انجام و هم حکم تکلیفی فرد را می تواند معین نماید.

### بیان مسله پژوهش

تفاوت برداشت از سنت معصومین علیهم السلام و به ویژه نبی مکرم اسلام در فقه شیعه و اهل تسنن به مثابه یک رویداد عظیم از صدر اسلام تا کنون، باعث پرسشهایی در منابع و مصادر علمی فریقین شده است که پاسخگویی بدان محتاج بازخوانی و نوعی نگاه متفاوت از متون حدیثی و تاریخی است. یکی از ویژگی و امتیازات علم فقه رشد و بالندگی و پویایی آن است. از سویی هر قدر زمان تشریح و زمان صدور نصوص دورتر می شویم کار استنباط احکام مشکل تر می شود و در فهم و دریافت حکم از ادله و مدارک شرعی از نواحی متعددی غموض حاصل می شود و در کار استنباط احکام، فاصله ها و موانع متنوعی پدید می آید اما از سوی دیگر هر چه زمان می گذرد و علوم گسترش می یابد عمق آموزه های دینی بیشتر نمودار می شود. (شریعتی، ۱۳۸۰، ۲۴) بنابراین برای سنت معصومین علیهم السلام و به ویژه نبی مکرم اسلام برای فریقین از اهمیت والایی برخوردار است واکاوی سنت معصومین علیهم السلام در ابواب مختلف قابل بحث و بررسی است و یکی از سنن، توجه به فعل اکل و شرب است.

بررسی سنت فعلی معصومین علیهم السلام و به ویژه نبی مکرم اسلام در موضوع اکل و شرب در بدو امر موضوعی آسان به نظر می رسد اما وجود روایات متعدد و در عین حال مباین با یکدیگر در این زمینه موجب برداشتهای متفاوت و حتی متضاد در یک موضوع خاص شده است در این نوشتار بر آنیم نمونه هایی از این روایات را مورد توجه قرار داده و به بحث بگذاریم.

احادیث پیرامون حکم حلیت و حرمت فقهی (خرگوش، سوسمار، جوجه تیغی، ماهی پولک دار) در منابع متعدد فریقین ذکر شده است و پژوهشهای خوبی در این زمینه نیز انجام گرفته است اما این پژوهش از زاویه ای جدید در پی نقش آفرینی به عنوان تکمیل کننده تلاش های قبلی؛ زوایای پنهان این روایات را آشکار سازد.

برای جامعه عمل پوشاندن به این هدف و عینی سازی پاسخ به این مسئله، ابتدا در منابع و مصادر فریقین روایات مرتبط با این موضوع بررسی و سپس با استنباط از این روایات بر پایه مسلمات فقهی به قضاوت حکم شرعی هر کدام می نشینیم.

### روش

روش تحقیق در این نوشتار متأثر از فرهنگ ناب اسلامی با تاکید بر روایات فریقین می باشد که ریشه و تبار آن در سنت واصله از نبی مکرم اسلام است.

نگارنده با بهره گیری از رهیافت متون حدیثی، روایات مبتنی بر جواز و عدم جواز اکل لحم ارنب توسط پیامبر(ص) را در مصادر شیعه و سنی بررسی کرده است و این موضوع در کالبدی خاص و به مثابه یک سیر مطالعاتی منسجم به بیان نظریات فریقین می پردازد.

بنابراین این نوشتار تنها یک گردآوری اطلاعات نیست بلکه مبنای بررسی یک سنت خاص است که از سیره نبوی استنباط شده است. و بر پایه این رهیافت از داده های موجود در جوامع حدیثی در کشف این سنت استفاده شده است

### ضرورت ، اهمیت و اهداف

ضرورت، اهمیت و اهداف این پژوهش در تبیین سنت فعلی معصومین علیهم السلام و به ویژه نبی مکرم در مورد اکل لحم ارنب است که برخی از موارد آن عبارت است از:

- ۱- سبب آشنایی بیشتر مخاطب با سنت پیامبر(ص) می شود.
- ۲- پاسخ به بسیاری از ابهامات فقهی از نحوه فعل پیامبر(ص) با توجه به احادیث رسیده در موضوع خوردن گوشت خرگوش.
- ۳- زدودن شبهات در حکم شرعی از اذهان عمومی بالاخص شیعیان در این موضوع.
- ۴- تبیین حکم فقهی با توجه به ابتلای بسیاری از افرادی که در خارج از شهرها اقدام به شکار و خوردن خرگوش می کنند.

### پیشینه تحقیق

در مورد سیره پیامبر در حوزه اطعمه و اشربه کتابهای متعددی از فریقین نگاشته شده است که اکثر این موارد دربرگیرنده سنت قولی و فعلی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است در منابع شیعی آثاری مانند سنن النبی نوشته علامه طباطبایی در یک جلد و همچنین کتاب سنن النبی که کاظم مدیر شانه چی در ده جلد آن را به رشته تحریر درآورده است به این موضوع پرداخته آمد علاوه بر این منابع پیشینه سیره پیامبر در منابع حدیثی مانند بحارالانوار علامه مجلسی و نیز وسایل الشیعه شیخ حر عاملی ذکر شده است که در آن ها تبویب روایات در زمینه های گوناگون و از جمله باب اطعمه و اشربه وجود دارد.

به طور خاص برخی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها به بررسی تطبیقی احکام در فریقین پرداخته‌اند که در زمینه اطعمه و اشربه می‌توان به پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد و گرایش فقه و مبانی حقوق دانشگاه یاسوج با عنوان «احکام اطعمه و اشربه از منظر فقهای امامیه و اهل سنت» اشاره کرد.

در منابع فقه مقارن و علم الخلاف موضوع (ارنب) در باب‌های فقهی طهارت، صلاه، حج، تجارت، صید و ذباحت و اطعمه و اشربه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مصادر اهل سنت نیز علاوه بر مباحث ذکر شده در باب‌های فقهی فوق، یک باب کامل در کتاب صحیح بخاری (عدم حرمت اکل لحم ارنب) را مورد تبیین قرار داده است و تعداد مقاله‌های نگاشته شده در پیرامون این موضوع به مراتب بیشتر از کتاب‌هایی است که به این امر اختصاص یافته است. اما در میان مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگون، پژوهشی که به طور خاص از زاویه «تطبیقی فقهی سنت پیامبر در کل لحم ارنب» را بررسی کرده باشد وجود ندارد بنابراین، نوشتار حاضر را می‌توان فراتر از نگاشته‌های قبلی دانست، زیرا از یک سو قابلیت تعمیم‌پذیری دارد و از سوی دیگر تفاوت برداشت فریقین از سنت پیامبر را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را تلاشی برای فرا رفتن از سطح انتزاعی و معمولی بسیاری از نوشته‌ها دانست و از منظری دیگر به رغم تلاش‌ها و کاوش‌های بسیار زیاد پیشینیان، هم‌چنان پژوهش در سنت از جهات متعددی نیازمند تحقیق علمی ژرف و دقیقی است؛ چرا که هنوز ابهامات بسیار و اشکالات گوناگونی در این موضوع وجود دارد و از سویی در این عصر، دانش‌ها و دیدگاه‌های نوینی درباره متن پژوهی و نقل‌شناسی پدید آمده است که تمرکز پژوهشی به آن می‌تواند نتایج علمی ارزشمندی در زمینه استنباط، احراز و فهم سنت داشته باشد.

### نوآوری در پژوهش

با توجه به آنچه بیان شد جنبه‌های جدید بودن تحقیق و نوآوری‌های پژوهش در این مقاله از چند جهت قابل توجه است:

الف) بررسی مصداقی یکی از موضوعات اختلافی در بین فقه شیعه و اهل سنت با تکیه بر مباحث فقه مقارن؛ زیرا موضوع حکم شرعی خوردن گوشت خرگوش نه در کلام فقهای شیعه و نه در آثار فقهای اهل سنت با این نگاه فرصتی برای تبیین نیافته و چنانکه در مقاله ذکر شده در ابواب مختلف به صورت موجز و پراکنده احکامی مرتبط با خرگوش بدون توجه به فقه مقارن بیان شده است.

ب) تدوین و گردآوری همه آرای فقهی شیعه و سنی در موضوع و بررسی نظریات همه فرقه‌ها و زیرمجموعه‌های فریقین که تاکنون در مقاله‌ای مستقل تا جایی که نگارنده بررسی کرده است در (لحم الارنب) صورت‌نپذیرفته است.

ج) تلاش و جهد تام برای حل شبهه و معضل کاربردی در موضوع پژوهش (با عنایت به اینکه بسیاری از شیعیان فکر می‌کنند که گوشت خرگوش حلال و یا حداکثر مکروه است) و نظر به اهمیت توجه به ماهیت مأكولات و همچنین اینکه هر فرد مقیدی می‌بایست آشنایی با این مباحث را در اولویت امور خود داشته باشد.

د) دقت برای استنباط صحیح و تعیین حکم دقیق فقهی با تبیین سیره و سنت معصوم با تکیه بر همه احادیث و روایات دینی و اخبار تاریخی ذکر شده در موضوع.

ه) رفع تضاد در روایات وارده در موضوع خوردن گوشت خرگوش.

در این پژوهش، شناخت اصطلاحات به کار رفته که رویکرد تحقیق را بیان می کند از اهمیت والایی برخوردار است و بازشناسی مقصود نگارنده از این مفاهیم در مطالعه و ارزیابی آن ضرورتی علمی دارد. سنت، سنت قولی، سنت فعلی پیامبر(ص) مفاهیم اصلی این نوشتار است.

### سنت

سنت به مثابه دومین حجت الهی، پس از کتاب، سهمی بزرگ و نقشی سترگ در دستیابی مفسران دین به گزاره‌ها و آموزه‌های دینی دارد؛ و اگر سنت نبود به طور قطع بشر از دریافت دین کامل و درک کامل دین و فهم کمال دین محروم می‌گشت.

(الف) سنت در لغت:

سنت در لغت به معنای طریقه، روش و دوام است.

(ب) سنت در اصطلاح:

(۱) در علم فقه: منظور از سنت هر حکمی است که مستند به اصول شریعت باشد و بدعت در مقابل آن قرار دارد

(۲) در علم کلام: دو معنا دارد اول: همان معنایی که در علم فقه آمده است. دوم: به معنای مستحب است.

(۳) در علم اصول: سنت در علم اصول عبارت است قول و فعل و تقریر معصوم. (شریعتی، ۱۳۸۰، ۸۶)

قول النبی (المعصوم) أو فعله أو تقریره (مظفر، بی تا، ۶۴/۳)

### انواع سنت

سابقه پژوهش‌های حدیثی و روایی حاکی از آن است که بیشتر مطالعات و مطالب تدوین شده، به گفتار معصوم معطوف بوده است و میزان استناد عالمان و اندیشمندان علم حدیث به قول معصوم بیشتر بوده است و ایشان به فعل معصوم توجه زیادی نداشته‌اند.

این واقعیت نشان می‌دهد که پژوهش در عرصه فعل معصوم، نیازمند بازکاوی و تأمل جدی است چرا که این موضوع بستری مناسب برای مطالعات ژرف، موشکافانه و نوین است.

در بحث استناد به فعل معصوم مباحثی مانند مختار بودن، مبین بودن، جدی بودن، تقیه ای نبودن، منسوخ نبودن و بسیاری دیگر از این نوع مسائل باید توجه داشت و برای استنباط از یک فعل معصوم لازم است با تتبع در منابع حدیثی، تاریخی آن فعل استخراج گردد و عموماً در آموزه‌های دینی استنادات به افعال معصوم حکایت از آن دارد که فعل ایشان چه در زمان صحابه و چه بعدها، به عنوان مرجع فهم و تفسیر دین شناخته می‌گردید و هر جا ابهام و سوالی درباره فهم آموزه‌های دینی پدید می‌آمد به رفتار معصومان رجوع می‌شد همچنانکه استنادات پر شمار روایان به عملکرد اهل بیت و پیامبر، حاکی از مرجعیت فعل معصوم برای مسلمانان است.

استناد به افعال معصومان کارکردهای زیادی برای اندیشمندان اسلامی دارد چنانکه ایشان با بهره‌گیری از فعل معصوم برای اثبات صحت استنباط نظریه خویش در علوم فقه، اصول فقه و تفسیر بر درستی

برداشت خود از آیات تکیه می کند و گاهی نیز کارکرد شهودی دارد یعنی با بهره گیری از فعل معصوم به عنوان موید و گواه و شاهد برای یک عمل به سیره معصوم استدلال می شود.

اکتشاف و استخراج از آموزه های دینی از فعل معصوم، امری روشمند و ضابطه مند است که فارغ از هر مصداق و موضوعی، از منطق و الگوی مشترکی پیروی می کند.

در کتب فقهی و حدیثی فریقین تقسیم بندی های متعددی برای سنت انجام گرفته است مانند (سنت پیامبر - سنت صحابه؛ سنت پیامبر - سنت اهل بیت؛ سنت متصل - سنت منقطع؛ سنت تقریری و...) اما در این پژوهش ما به سنت قولی و فعلی می پردازیم.

### سنت قولی

سخنانی که پیامبر(ص) و سایر معصومان در مناسبتهای مختلف با اغراض و انگیزه های گوناگون بیان کرده اند، سنت قولی گفته می شود. (مظفر، بی تا، ۶۴)

### سنت فعلی

یکی از مدارک و ادله نادیده انگاشته شده اما بسیار مهم که می تواند نقش مهم و کاربرد فراوانی در استنباط و فهم آموزه های دینی به ویژه حکمت عملی آن داشته باشد سیره و فعل هادوی معصومان - سلام الله علیهم - است؛ متأسفانه آن چنان که درخور این حجت الهی بوده به ثبت و حفظ و شناخت و فهم آن پرداخته نشده و در مقام استنباط نیز آن گونه که باید و شاید مورد اعتنا قرار نگرفته است در تعریف این دلیل می توان گفت: هرگاه معصوم فعلی را انجام دهد، حداقل نکته ای که می توان از آن استنباط کرد عدم حرمت آن فعل و در نتیجه جواز آن است همچنین اگر عملی از سوی معصوم ترک شود کمترین چیزی که از آن فهمیده می شود عدم وجوب آن است. (ولایی، ۱۳۸۷، ۲۱۶) حال اگر فعل معصوم به قصد تشریح باشد به آن سنت فعلی گفته می شود مانند انجام وضو، کیفیت نماز، حج و ...

### حجیت سنت

حجیت و اعتبار سنت پیامبر(ص) به عنوان دومین منبع و مصدر اصلی احکام اسلامی مورد اتفاق عامه مسلمین است. و مهمترین دلیل این حجیت نیز آیات قرآن مانند وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر، ۷) و وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم، ۳-۴)؛ روایات وارده، عقل و اجماع است.

حجیت سنت، پایه غنای مبانی و ادله دینی است همچنین با عنایت به کارکردهای متعدد آن گوناگون آن امکان فهم و استنباط قرآن را که به عنوان منبع اصلی آموزه های دینی است فراهم می سازد و از سوی دیگر صدور تدریجی و گام به گام سنت در بستر عینی زندگی پیروان اسلام به انطباق پذیری تعالیم اسلام با شرایط متفاوت کمک شایانی کرده است.

### خرگوش

در تعریف لغوی از خرگوش در معجم و دایره المعارف های زبان فارسی آمده است: پستانداری علفخوار جزو راسته جونندگان با گوش های دراز و دو دست های کوتاه تر از پاها که بسیار تند می دود. (معین) و از نظر علم جانورشناسی: خرگوش نوعی از پستانداران است که به تعداد زیاد و اقسام بسیار در قاره های اروپا و آسیا و آفریقا و امریکای شمالی یافت می شود. این

حیوان در نوع دویدن بین سایر پستانداران بی نظیر است، وجود آنها برای مزارع غلات بسیار زیانمند است. (رک: دهخدا)

اما در منابع زبان عربی در مورد این حیوان آمده است:

رنب: الأرنَبُ: معروفٌ، يكونُ للذَّكَرِ والأُنثى. وقيل: الأرنَبُ الأُنثى، والخَزَزُ الذَّكَرُ، والجمعُ أرنابٌ وأران عن اللحياني. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۴۳۴) الأرنَب: واحدة الأرناب، وهو حيوان يشبه العنق، قصير اليدين طويل الرجلين، عكس الزرافة، يطاء الأرض على مؤخر قوائمه. وهو اسم جنس يطلق على الذكر والأنثى (دمیری، ۱۴۲۴، ۳۶) ومن عجائبها أنها تنام وعيناها مفتوحتان فيأتي الصياد فيظنها مستيقظة (ابشيهي، ۱۴۱۹، ۵۶۷)

### موضوعیت خرگوش در ابواب فقهی:

در کتابهای مختلف فقهی از خرگوش به مناسبتهای گوناگونی صحبت به میان آمده است ابواب مختلفی که به این موضوع پرداخته اند عبارتند از: کتاب الطهاره، کتاب الصلوه، کتاب الحج، کتاب اطعمه و اشربه، کتاب صید و ذباحه.

حکم شرعی اکل لحم ارنب در فقه شیعه

هرچند در نگاه فقهی شیعه (امامیه) دلایل متعددی بر حرمت اکل گوشت خرگوش اقامه شده است اما در برخی از فرقه‌های شیعه نظراتی متفاوت به چشم می‌خورد علاوه بر اینکه در احادیثی نیز به طور صریح خوردن آن بدون اشکال دانسته شده است، بررسی مستندات نشان می‌دهد که حکم به حرمت اکل با چالش پژوهشی در علم فقه و حدیث مواجه است از این رو تحقیق و پژوهش در این موضوع نیازمند واکاوی و بازمهندسی است.

در ادامه ابتدا حکم شرعی خوردن گوشت خرگوش از دیدگاه فرقه های اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### نظریات فرقه های شیعه در مورد اکل لحم خرگوش

#### امامیه

در بین فقه‌های امامیه اجماع بر حرمت اکل گوشت خرگوش است و از قدیم تا کنون فقهاء بر همین نهج عمل نموده اند کما اینکه شیخ الطائفه در این زمینه می‌گوید: الأرنَب محرم ... دلیلنا إجماع الفرقة. (طوسی: ۱۴۰۷، ۶ / ۷۸)

#### زیدیه:

الف) در احکام فقه فرقه زیدیه خوردن گوشت خرگوش حرام نیست بلکه عموم کتب ایشان خرگوش را مکروه می‌دانند.

الأرنَب نَعافُ أكلها وليست بمحرمة، وقد ذكر عن رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم أنه عافها ولم يأكلها حين أهديت له وأمر أصحابه بأكلها وهي في ذلك من صيد البر الذي أحله الله لصانده (امام يحيى: بی تا، ۲ / ۴۰۳)

ب) در برخی منابع زیدیه قول نادر و شاذی مبنی بر حرمت خوردن گوشت خرگوش بیان شده است. و فی أحد قولی الناصر انها محرمة (الجنداری، بی تا، ۴ / ۹۹)



در فقه اسماعیلیه خوردن گوشت خرگوش مباح دانسته شده است و مستند این حکم را نیز سنت پیامبر (ص) دانسته اند. وعن رسول الله (ص) أنه أباح أكل الأرنب. (التمیمی، ۱۳۸۳، ۲ / ۱۲۳)

پس از نقل اقوال حکم شرعی اکل لحم ارنب در فرقه های شیعه در ادامه به بررسی ادله جواز و عدم جواز این احکام می پردازیم.

(الف) ادله حلیت و جواز خوردن گوشت خرگوش در منابع شیعی:

(۱) آیه قرآن: قُلْ لَا أُجِدُّ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ (انعام، ۱۴۵). در این آیه خداوند می فرماید: بگو ای پیامبر در احکامی که به من وحی شده، چیزی را برای خوردندگان حرام نمی دانم مگر آنکه میته یا خون یا گوشت خوک.

(۲) اصله الاباحه که بر این اصل آیات متعددی مثل هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (بقره، ۲۹) و يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا (بقره، ۱۶۸) دلالت دارد و در نتیجه جواز و حلیت گوشت خرگوش از آن استنباط می شود.

(۳) آیه أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا (مائده، ۹۶)

(۴) در حدیثی حماد از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند:

كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عزوف النفس و كان يكره الشيء و لا يحرمه فأتى بالأرنب فكرهها و لم يحرمها. (مجلسی، بی تا؛ ۴۹۹/۷)

در این حدیث آمده است که گوشت خرگوشی را برای پیامبر (ص) آوردند ولی ایشان رغبتی به آن نداشتند و آن را نیز حرام ندانستند.

(۵) در حدیثی دیگر ابی بصیر از امام صادق علیه السلام بیان داشته است:

كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُؤْكَلَ مِنَ الدَّوَابِّ لَحْمُ الْأَرْنَبِ وَالضَّبِّ وَالْخَيْلِ وَالْبَعَالِ وَ لَيْسَ بِحَرَامٍ كَتَحْرِيمِ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ. (طوسی، ۱۴۰۷، ۹ / ۴۴) این حدیث به صراحت عدم حرمت گوشت خرگوش را بیان می کند.

(۶) زراره از امام باقر علیه السلام حدیثی نقل می نماید با این عبارت که: مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا الْخِنْزِيرَ. (همان)

(۷) در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که ایشان خوردن خرگوش را مباح دانسته اند. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ أَبَاحَ أَكْلَ الْأَرْنَبِ. (ابن حیون المغربی، ۲ / ۱۲۳)

(۸) حصر المحرمات: یکی از دلایلی که فائیلین به اباحه خوردن گوشت خرگوش به آن استناد می کنند "حصر محرمات" است به معنا که خداوند تمامی لحوم محرمة را بیان نموده است و گوشت خرگوش مصداق هیچکدام از موارد حرمت نمی باشد بنابراین حکم اباحه بر آن جریان دارد.

۱- فالظاهر حملها على التقية للاختلاف الظاهر بين الخاصة و العامة فيها و كانت العامة يسألون عنها فكانوا عليهم السلام يتقون منهم، مع أن الكراهة تطلق على الحرمة كثيرا في الأخبار

موارد برخی از ادله ای است که می توان برای حلیت اکل گوشت خرگوش به آن استناد کرد اما در مقابل این ادله نیز مباحثی مطرح است که حرمت و عدم جواز خوردن گوشت خرگوش را متذکر می شود.

(ب) ادله حرمت و عدم جواز خوردن گوشت خرگوش در منابع شیعی:

(۱) اجماع فقهای شیعه بر حرمت، یحرم أكل الأرنب ... و الدلیل علیه الإجماع المتردد. (راوندی، ۱۴۰۵، ۲ / ۲۴۹).

(۲) خرگوش حیوان مسخ شده ای است و خوردن گوشت مسخ شدگان حرام است؛ كُلُّ مَسْخٍ حَرَامٌ وَ لَا تَأْكُلِ الْأُرْنَبَ فَإِنَّهُ مَسْخٌ حَرَامٌ. (نوری، ۱۶ / ۱۷۰)

در باب مسخ بودن خرگوش عبارات متعددی ولی تقریباً با یک مضمون در احادیث وجود دارد.

(الف) الأرنب مسخ کانت امرأة تخون زوجها و لا تغتسل من حیضها.

(ب) مسخ الأرنب لأنها کانت امرأة تخون زوجها، و لا تغتسل من حیض و لا جنابة .

(ج) الأرنب فکانت امرأة قدرة لا تغتسل من حیض و لا غیر ذلك.

(د) الأرنب فکانت امرأة لا تطهر من حیض و لا غیره.

(۳) گوشت خرگوش غذای دشمنان اسلام است و از این حیث حرام می باشد: مطاعم الأعداء؛ النبید، و المسکر، و الفقاع، و الطین، و الجری من السمک و المارماهی و الزمیر و الطافی و کلما لم یکن له فلوس من السمک، و الأرنب. (مجلسی، محمدتقی، بی تا، ۲ / ۱۳۷)

(۴) الأصل الثانوی فی الحیوان الحرمه: از آنجا که حیوانات حلال گوشت در شرع اسلام مشخص شده اند لذا مابقی جاندارانی که دلیلی بر حلیت ندارند در اصل ثانوی حرمت داخل می شوند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۹ / ۶۳)

(۵) خرگوش در فقه در حکم گربه است لذا همانطور که خوردن گوشت گربه حرام است گوشت خرگوش نیز حرام است. حَرَمَ الْأُرْنَبَ لِأَنَّهَا بِمَنْزِلَةِ السَّنُورِ ... فَجَرَتْ مَجْرَاهَا (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ۶ / ۹۹)

(۶) داشتن چنگال مانند حیوانات وحشی: و حرم الأرنب لأن... لها مخالب كمخالب السنور و سباع الوحش فجرت مجراها في قدرها في نفسها.

(۷) خرگوش مانند زنان عادت ماهیانه می شود. و ما یكون منها من الدم كما یكون من النساء. (مجلسی، محمدتقی، بی تا، ۷ / ۴۷۷).

(۸) در فقه اسلامی حیوانات حلال گوشت به طور صریح مشخص شده اند و نامی از خرگوش در میان آنها وجود ندارد. بنابراین گوشت خرگوش در لیست گوشت‌های حرام خواهد بود. ان عد المحللات فی حیوان البر یدل علی تحریم ما سواها.

(۹) اصل احتیاط: اجتناب از خوردن گوشت خرگوش با توجه به اختلاف نظریات فقها نزدیکتر به احتیاط است. الأرنب محرم .. دلیلنا ... طریقه الاحتیاط . (طوسی، محمد، ۱۴۰۷، ۶ / ۷۸)

(۱۰) قذارت ذاتی خرگوش: حَرَمَ الْأُرْنَبَ ... مَعَ قَدْرِهَا فِي نَفْسِهَا (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶ / ۹۹)

بررسی دلائل قائلین به حلیت در فقه شیعه:

(۱) آیه ۱۴۵ سوره انعام در مقام بیان حکم تمام مأكولات نیست زیرا اگر ملاک حکم فقهی در باب اطعمه و اشربه فقط همین آیه باشد گوشت سایر حیوانات مثل سگ و گربه و... می بایست حلال باشد و حال آنکه اینگونه نیست.

(۲) اصاله الاباحه در جایی می تواند مبنای حکم باشد که هیچ حکم مستفاد از قرآن و سیره در بین نباشد و حال آنکه در باب اطعمه و اشربه هم روایات متعدد وجود دارد و هم آیات قرآن، برخی مصادیق را معین نموده است لذا نوبت به این اصل نمی رسد.

(۳) آیه ۹۶ سوره مائده نیز مانند آیه ۱۴۵ سوره انعام در مقام بیان حکم تمام نمی باشد.

(۴) در حدیث حماد از امام صادق علیه السلام، پیامبر(ص) کراهت خود را از گوشت خرگوش اظهار می نماید ولی حکم به ممنوعیت و محظوریت آن نمی دهند؛ باید عنایت داشت که مخاطب این گوشت را به عنوان هدیه برای پیامبر(ص) آورده بود لذا پیامبر(ص) حکم ممنوعیت را در آن مجلس به مستقیم و واضح بیان نفرمودند به عبارتی سیره پیامبر(ص) این گونه بود که در مقام احترام به مخاطب، مطلبی که با عرض ارادت مخاطب ناسازگاری داشت را بیان نمی فرمودند و تنها اظهار کراهت و ناپسندی می نمودند اما این اظهار کراهت در این جا به معنای حرمت قطعیه می باشد کما اینکه شیخ طوسی در جواب این روایت این گونه پاسخ می دهد: وَمَا جَرَى مَجْرَى هَذِهِ الْأَخْبَارِ مِمَّا يَتَّصِفُ لَفْظِ الْكِرَاهِيَةِ لِهَذِهِ الْأَشْيَاءِ دُونَ الْحَظَرِ وَمَا يَتَّصِفُ مِنْ نَفْيِ التَّحْرِيمِ فَالْمُرَادُ بِهَا التَّحْرِيمُ الْمَخْصُوصُ الَّذِي قَدَّمَاهُ مِمَّا اقْتَضَاهُ ظَاهِرُ الْقُرْآنِ وَلَمْ يُرَدَّ نَفْيُ التَّحْرِيمِ الَّذِي هُوَ دُونَ ذَلِكَ. (طوسی، ۱۴۰۷، ۹/۴۳)

(۵) در حدیث ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نیز همانطور که از متن حدیث استنباط می شود میزان کیفیت و غلظت حرمت بیان شده است چنانکه حرمت خون، میتة و گوشت خوک در بالاترین درجه حرمت بیان شده است و حدیث می فرماید میزان غلظت حرمت مابقی محرّمات به این سه نمی رسد یعنی موارد دیگر در رتبه های پایین تر حرمت قرار دارند نه اینکه اصلاً حرام نیستند کما اینکه برخی از بزرگان این حدیث را حمل بر تقیه کرده اند و يَحْتَمِلُ الْحَمْلَ عَلَى التَّقِيَةِ (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۲۴/۱۱۲).

(۶) حدیث زراره از امام باقر علیه السلام مبنی بر عدم حرمت گوشت حیوانات به جز خوک، نیز به خوبی قابل پاسخ است چرا که حدیث می فرماید خداوند در قرآن گوشت خوک را حرام دانسته است اما باقی محرّمات را پیامبر(ص) تبیین فرموده اند همچنان که خداوند یکی از اوصاف پیامبر(ص) را مبین بیان نموده اند (لتبیین للناس) و کما اینکه در دیگر احکام نیز جزئیات و توسعه احکام به پیامبر واگذار شده است مانند اینکه در قرآن حکم و جوب صلوه آمده است اما تبیین جزئیات و تبیین آن به عهده پیامبر گذاشته شده است.

(۷) اگر در برخی روایات عباراتی مبنی بر عدم حرمت وارد شده است معمولاً بزرگان شیعه، این روایات را محمول بر تقیه دانسته اند و یا اینکه حکم عدم حرمت را برای تذکیر خرگوش و عدم حرمت استفاده از پوست خرگوش در غیر نماز دانسته اند و هو محمول ایضاً علی عدم تحریم ذکاتها و جلودها همچنین و لیس ذلک فی لحمها عندنا فیکون فی جلدھا . (العاملی، ۱۴۱۳، ۱۱/۵۱۷) به

عبارتی این روایات را در مقابل روایات حرمت اکل ضعیف دانسته و حکم به حرکت گوشت خرگوش داده اند.

(۸) برخی نیز احتمال منسوخ شدن این احادیث را داده اند. و یحتمل کونه منسوخا (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸۷/۶۲)

حکم شرعی اکل لحم ارنب از نگاه اهل سنت

در میان فقهای اهل سنت اجماع در حلیت خوردن گوشت خرگوش است و هیچ کدام از مذاهب اربعه در عمل، حکمی جز این ندارند هر چند در میان اهل سنت نیز مانند شیعیان قائلین به حکمی غیر از حلیت وجود دارد همچنین در منابع روایی عامه احادیثی در مقابل قول جمهور نیز بیان شده است که می بایست این موضوع مورد نقد و بررسی قرار بگیرد:

(الف) قائلین به جواز و حلیت خوردن گوشت خرگوش در فقه اهل سنت:

(۱) مالکیه:

در فقه مالکی به عدم اشکال در جواز اکل لحم ارنب فتوا داده شده است. قال مالک لا بأس بأکل الضب والأرنب (التنوخی، بی تا، ۲/۶۲)

(۲) حنفیه:

در میانی و مصادر مذهب حنفیه دو قول برای اکل لحم ارنب بیان شده است:

(الف) حکم به حلیت: بسیاری از منابع در فقه حنفیه به صورت واضح حکم به حلیت خوردن گوشت خرگوش داده شده است و این حکم و علت آن به ابوحنیفه نسبت داده شده است: قال رحمه الله: ( وحل الأرنب ) لأنه عليه الصلاة والسلام أمر أصحابه أن يأكلوه حين أهدى إليه مشویا . رواه أحمد والنسائی . ولأنه ليس من السباع ولا يأكل الجيف فأشبهه الطیبی (الطوری، ۱۴۱۸، ۲/۳۱۴)

و در عبارتی دیگر به لفظ (لا بأس) برای بیان حکم خوردن گوشت خرگوش استفاده نموده اند: ولا بأس بأكل الأرنب لما روی عن ابن عباس رضی الله عنهما أنه قال كنا عند رسول الله صلی الله علیه وسلم فأهدى له اعرابی أرنبة مشویة فقال لأصحابه كلوا وعن محمد بن صفوان أو صفوان بن محمد أنه قال أصبت أرنبتین فذبحتهما بمروءة وسألت عن ذلك رسول الله صلی الله علیه وسلم فأمرنی بأكلهما (الکاسانی، ۱۴۰۹، ۵/۳۹)

(ب) حکم به حرمت: نقلی منتسب به ابوحنیفه است که وی قائل به حرمت خوردن گوشت خرگوش است، این قول را رافعی به ابوحنیفه نسبت داده است و حکمی رافعی عن ابي حنيفة تحريمها .

(الکحلانی، ۱۹۶۰، ۴/۷۶)

(۳) حنبلی:

در منابع فقه حنبلی قول به عدم حرمت خوردن گوشت خرگوش با عبارت (مباحه) آمده است و علت برای این حکم را سنت فعلی صحابه، اجماع اهل سنت، روایت پیامبر (ص)، شباهت خرگوش به آهو، طیب و طاهر بودن خرگوش، علفخوار بودن، اصل اباحه، عموم نصوص حلیت، عدم ورود نص بر حرمت؛ بیان کرده اند.

والأرنب مباحة ، أكلها سعد بن أبي وقاص ورخص فيها أبو سعيد وعطاء وابن المسيب والليث ومالك والشافعي وأبو ثور وابن المنذر ولا نعلم أحدا قائلًا بتحريمها ... وقد صح عن أنس أنه قال : أنفجنا

أرنا فسعى القوم فلعبوا فأخذتها فجنثت بها إلى أبي طلحة فذبحها وبعث بوركها - أو قال - فخذها إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقبله متفق عليه . وعن محمد بن صفوان أو صفوان بن محمد أنه قال : صدت أرنبين فذبحتهما بمروء فسألت رسول الله صلى الله عليه وسلم فأمرني بأكلهما رواه أبو داود ولأنها حيوان مستطاب ليس بذي ناب أشبه الطيبى... الأرنب يعتلف النبات والبقول فكان مباحا كالأرنب ولأن الأصل الإباحة وعموم النصوص يقتضيها ولم يرد فيه تحريم فتجب إباحته (ابن قدامه، بى تا، ۷۰ / ۱۱)

(۴) شافعيه:

در فقه شافعی خوردن گوشت خرگوش حلال دانسته شده است و به آیات قرآن، روایات، اجماع و عدم ثبوت نهی در خوردن آن استدلال شده است ویحل أكل الأرنب لقوله تعالى ( ويحل لهم الطيبات ) والأرنب من الطيبات ولما روى جابر(أن غلاما من قومه أصاب أرنباً فذبحها بمروء فسأل رسول الله صلى الله عليه وسلم عن أكلها فأمره أن يأكلها)... وهو حلال عندنا وعند العلماء كافة... دلت لنا الأحاديث السابقة في إباحتها ولم يثبت في النهي عنها شيء (النووي، بى تا، ۹ / ۱۰-۱۷)

(۵) ظاهريه:

در آموزه های فقه ظاهريه<sup>۲</sup> حکم به حلیت گوشت خرگوش داده شده است و الأرنب حلال لأنه لم يفصل لنا تحريمها (ابن حزم، بى تا، ۷ / ۴۳۲)

ب) قائلین به حرمت و کراهت خوردن گوشت خرگوش در فقه اهل سنت:

(۱) حکم به حرمت: بنا بر نقل قولی که از ابوحنیفه شده است، وی معتقد به حرمت خوردن گوشت خرگوش است. (الشوکانی، ۱۹۷۳ / ۸ / ۲۹۱) در عبارت منسوب به ابوحنیفه چنین آمده است: وحكى الراعى عن أبي حنيفة تحريمها. (الکحلانی، ۱۹۶۰، ۴ / ۷۶)

(۲) حکم به کراهت در میان صحابه: نقل قولی که منتسب به عبدالله بن عمرو است (الشوکانی، ۱۹۷۳، ۸ / ۲۹۱)

(۳) حکم به کراهت در میان تابعین: نقل قولی که منتسب به عکرمه است (همان)

(۴) حکم به کراهت در میان فقهاء: نقل قولی که منتسب به محمد بن ابی لیلی است (همان)

(۵) حکم به کراهت در نقل قولی از عبد الرحمن بن ابی لیلی (الکوفی، ۱۴۰۹، ۵ / ۵۳۶)

(۶) حکم به کراهت در نقل قولی از ابن عمرو و ابن عمر. (همان)

ادله قائلین به حلیت در فقه عامه:

مهمترین دلیل در حکم حلیت خوردن گوشت خرگوش در بین مذاهب چهارگانه اهل سنت؛ استدلال به احادیثی است که در صحاح نیز آمده است:

(۱) عن انس بن مالك قال: مررنا بمرأ الضهران فانفجنا ارنبا فسعوا عليها فلغبوا فسعيت حتى ادرکتها فاتيت بها ابا طلحة فذبحها فبعث بعجزها و ورکها الى النبي (ص) فقبلها.

<sup>۲</sup> - در قرن دوم و سوم هجری نهضتی در عراق بوجود آمد که نوعی اعتراض و مخالفت را با تمام نهضت های معاصر خود شروع کرد این نهضت به مذهب ((ظاهريه)) و ((داوديه)) مشهور شد. آنها تنها راه رسیدن به حقیقت و سعادت را تمسک به ظاهر کلام خدا و رسول می دانستند. بنیانگذار این مذهب، فقیهی به نام داوود بن محمد علی می باشد. معروفترین چهره های فرقه ظاهريه ابن حزم اندلسی و بلوطی بوده اند. شافعیان در بین مذاهب دیگر اسلامی بیشترین شباهت را با مذهب ظاهری دارند.

(۲) عن محمد بن صفوان انه مرّ النبي بارتين معلقهما فقال يا رسول الله انى اصبت هذين الارنيين فلم اجد حدیده اذکيهما بها فذکتهم بمره أفأکل؟ قال: کُل.

(۳) عدم ورود نصی در مورد تحریم آن.

(۴) خرگوش حیوان پاکی است و لذا خوردن آن اشکال ندارد.

(۵) خرگوش دارای دندانهایی که به واسطه آن شکار نماید نیست.

(۶) رواج عملی خوردن گوشت خرگوش در بین اهل سنت.

ارزیابی ادله حلیت:

(۱) در حدیث اول بنابر نظر علمای اهل سنت قبول هدیه توسط پیامبر (ص) را دلیل بر حلیت دانسته اند و روایت از نظر علم حدیث "حسن و صحیح" دانسته شده است.

(۲) در خبر محمد بن صفوان نیز به طور واضح امر پیامبر (ص) مبنی بر خوردن گوشت خرگوش را بیان نموده است البته فعل امر (کُل) در این حدیث به معنای جواز است و وجوب از آن فهمیده نمی شود.

ادله قائلین به کراهت در فقه عامه:

(۱) برخی از علمای اهل سنت حکم به کراهت خوردن گوشت خرگوش داده اند. و علت این حکم را "خون دیدن" خرگوش برشمرده اند.

قد کره بعض اهل العلم اکل الارنب و قالوا: انها تدمی (نسائی، ۱۹۳۰، رقم ۴۳۲۳)

(۲) در روایت خزیمه کراهت پیامبر (ص) از خوردن گوشت خرگوش را به عنوان مبنای حکم دانسته اند. عن خزیمه بن جزء قال: قلت یا رسول الله جئتک لاسئلك عن احناش الارض ... ما تقول فی الارنب؟ قال: لا اکله و لا احرمه. قلت: فانی آکل مما لم تحرم و لم یا رسول الله؟ قال: انبئت انها تدمی. ارزیابی ادله عدم حلیت در فقه عامه:

با توجه به دلایل اهل سنت مبنی بر جواز اکل لحم ارنب قاعداً ادله عدم حلیت را توجیه و تاویل می نمایند به عنوان نمونه نقل قولی که برای حرمت گوشت خرگوش به ابوحنیفه نسبت داده شده بود را اشتباه دانسته اند و غلطه النووی فی النقل عن ابي حنيفة (عسقلانی، بی تا، ۹/ ۵۷۱) و به همین مضامین سایر ادله را نیز توجیه کرده اند و در نتیجه حکم به حلیت گوشت خرگوش داده اند.

از آن چه گفته شد با توجه به اهمیت و گستردگی استفاده از گوشت خرگوش در میان غیر مسلمانان و نیز حکم حلیت در بین عموم اهل سنت و در مقابل حکم حرمت در میان عموم شیعیان، می توان مطالب ذیل را بیان کرد:

(الف) در فقه اهل سنت:

- حکم فقهی حلال بودن خوردن گوشت خرگوش در فقه عامه است.
- در مقابل این حکم، نظریات دیگری نیز وجود دارد که عموماً توجیه شده است.
- استناد به روایات که از نظر اهل سنت صحیح است، عدم ورود نص بر حرمت، اجماع فقهاء، عموم ادله اباحه مهمترین مبانی استنباط این حکم فقهی از دیدگاه اهل سنت می باشد.

(ب) در فقه شیعه:

حکم فقهی حرمت خوردن گوشت خرگوش از موارد اجماعی تمامی فقهای شیعه در گذشته و حال است و همگی به اتفاق، بر حرمت آن فتوا داده اند. البته برخی روایات دال بر حرمت نیز در کتب روایی ما موجود است. همچنین طبق روایات دیگری، حیواناتی که چنگال داشته باشند گوشتشان حرام است و خرگوش نیز به جای سم و یا ناخن، چنگال دارد، و از سوی دیگر خرگوش از جمله حیوانات مسخ شده است و حیوانات مسخ شده نیز حرام گوشتند و در بحث لباس نمازگزار نیز روایاتی در بطلان نماز با لباسی که از پشم خرگوش درست شده باشد موجود است و حتی وجود مویی از آن به همراه لباس مصلی موجب بطلان نماز می گردد که با کنار هم گذاشتن این ادله حرمت گوشت خرگوش ثابت می شود. که نقش فعل معصوم (ع) در جامعه حکم را بر افراد مشخص می نماید.

منابع

قرآن کریم

- ابشیهی، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۹.
- ابن حزم اندلسی، علی بن محمد، المحلی، دارالفکر، بی تا.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب حوزه، قم، ۱۴۰۵.
- ابی حریصه، علی بن احمد، الاحکام فی الحلال و الحرام امام یحیی بن الحسین، ۱۴۱۰.
- التمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه علیهم أفضل السلام، قاهره، مصر، نشر دایره المعارف، ۱۳۸۳ق.
- التنوخی، سحنون بن سعید، المدونه الکبری للامام مالک، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- الجنداری، احمد بن عبدالله، شرح الازهار، نشر مکتبه غمضان، یمن، بی تا.
- حراعلی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل البيت، قم، ۱۴۱۴.
- دمیری، محمد بن موسی، حیاة الحیوان الکبری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴

- شریعتی، مهدی، بررسی مصادر و منابع فقه فریقین، ج ۱، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۸۰.
- الشوکانی، محمدبن علی، نیل الاوطار من احادیث سیدالاحیاء، دارالجیل، بیروت، ۱۹۷۳
- طبرسی نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، آل البيت، بیروت لبنان، ۱۴۰۸.
- الطوری القادری، محمد، تکلمه البحر الرائق شرح کنز الدقائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷
- طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۷
- العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۴۱۳، نشر معارف اسلامی، قم.
- عسقلانی، شهاب الدین ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- فیض کاشانی، ملا محسن، وافی، کتابخانه امیرالمومنین، اصفهان، ۱۴۰۶.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، فقه القرآن، تصحیح و تحقیق احمد حسینی و محمود مرعشی، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
- الکاسانی الحنفی، علاء الدین، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، مکتبه الحبیبیه، پاکستان، ۱۴۰۹.
- الکحلانی الصنعانی، محمد، سبیل السلام شرح بلوغ المرام من جمع ادله الاحکام، مطبعه البابیه، قاهره، مصر، ۱۹۶۰.
- الکوفی، محمد ابن ابی شیبه، المصنف، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳.
- مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، بنیاد فرهنگ اسلامی، قم، بی تا.
- مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تحقیق حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، نشر کوشانیور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶.
- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۳؛ قم، نشر اسلامی؛ بی تا
- نسائی، احمدبن شعیب، سنن النسائی (کتاب الصيد)، دارالفکر، بیروت، ۱۹۳۰.
- النووی، محی الدین، المجموع شرح المذهب، دارالفکر، بی تا.
- ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، نشر نی، ۱۳۸۷